

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۱۰/۱۲/۲۱

طالب و ملیگرائی؟ چه طنز بی مزه!

بار ها شنیده شده است که افراد به شکل منفرد و گروهی از طالب که بعد از هجوم امریکائی ها به خاک ما در برابر امریکائی ها سلاح برداشته است و به جنگ با امریکائی ها و همپیمانان شان پرداخته است به عنوان نیروی ملی یا نیروی مقاومت یاد کرده و به تمجید و تحسین و بزرگداشت وی مبادرت ورزیده اند. این نوع ارزیابی از طالب در حال حاضر زیاد نیست، ولی در گذشته ها بیشتر چشمگیر بود.

اطلاق کلمه ملیگرائی به طالب واقعاً یک طنز بی مزه است. تاریخ طالب از بدو تولد تا امروز حاکی از آن است که طالب همیشه مانند ابزاری در دست و در خدمت پاکستان قرار داشته است. هیچ انسانی نمی تواند از این واقعیت انکار کند که تولد طالب در پاکستان صورت گرفته است. سیر ابتدائی رشد این حرکت در پاکستان و به هدایت و حمایت پاکستان پیموده شده است. هدف به کارگیری این ابزار را نیز قبلاً پاکستانی ها بناء به مشوره دوستان شان تعیین کرده بودند. پیروزی چشمگیر و سریع طالب بر برادران همکیش و هم آئینش نیز نتیجه حمایت مستقیم نیرو های پاکستان و ساسیت مداران آن کشور بوده است. در امر اداره و سیاست پردازی طالب، مستشاران پاکستانی، تا زمانی که طالب به خاطر رابطه نزدیکترش با القاعده از فرمان پاکستان عدول کرد، دست باز و وسیعی داشتند. در امور امنیت و اقتصاد - با امداد های سخاوتمندانه مواد خوراکه برای پائین نگهداشتن قیمت و حصول رضایت مردم - پاکستان زمینه استحکام امارت طالبانی را تا توانست مهیا کرد. امروز نیز شکل گیری مجدد طالب بعد از فرار از افغانستان در نتیجه تلاش و سیاست پاکستان صورت گرفته است و همان کشور هائی که قبلاً طالب را در تبنانی با پاکستان به وجود آوردند باز هم طالب را تجهیز و تمویل می کنند. طالب به هدایت سرویس استخباراتی پاکستان هم علت افراطگرائی ها شده است و هم علت دهشت افگنی و نزاع میان مردم؛ امری که در صدر سیاست های پاکستان برای آشفته ساختن و ایجاد نزاع و در نهایت بی ثبات ساختن افغانستان قرار دارد. و ... و ...

آیا با وجود همه اعمالی که طالب انجام می دهد - قرار گرفتن در خدمت بیگانه ای که خواهان به توبره کشیدن خاک افغانستان است - و آسیب هائی دیگری که طالب به کشور ما وارد نموده است به شمول گذشته هراس انگیز وی در

کشور، به خصوص نام بدی که طالب - افغان های تروریست - برای ما به ارمغان آورده است و ده ها حرف و سخن دیگر، حق داریم که از طالب آن هم به عنوان یک حرکت ملی یا جنبش مقاومت پشتیبانی کنیم؟

معنی ملیگرایی این است که انسان به فکر مردم و ملت خود باشد و برای اعتلا و آزادی و سربلندی کشورش به اتکای ملت و مردم خودش، بکوشد. امری که در شأن طالب نه وجود دارد و نه دیده می شود. در تاریخ جنگ های مقاومت یا جنگ های آزادی خواهی و استقلال طلبانه، حتی به گونه نمونه هم، یک حرکت ملی و استقلال طلبانه یا جنگ مقاومت را ندیده باشیم که این حرکت به نام جنگ رهائی بخش یا استقلال طلبانه یا مقاومت و... ابزار و آله دست دیگران قرار گرفته باشد و به جای برآورده ساختن اهداف خود به دیگران خدمت و کمک کنند؛ که به مقاصد خود برسند. به خصوص زمانی که بی ثبات کردن کشور خود شان مقصد و هدف این کشورها باشد.

دلیل آنانی که از طالب یا حکمتیار و حقانی پشتیبانی میکنند این است که طالب علیه تجاوز امریکا می جنگند. این دلیل در صورتی می توانست مورد حمایت ما قرار گیرد که طالب به اتکای مردم و برای اعتلاء و آزادی کامل کشور از یوغ هر مهاجم استعمارگر و بیگانه به هر نام و هر رنگ به پا می خاست.

از ما بار ها پرسیده می شود که تفاوت میان تجاوز شوروی و تجاوز امریکا به افغانستان چیست. البته در این سؤال نوع و ماهیت تجاوز مدنظر گرفته شده است و نه دلیل نهفته در پشت این دو تجاوز، که میگوییم: هیچ! حال ما از دیگران می پرسیم که تفاوت میان تجاوز محسوس و نامحسوس یا آشکار و پنهان پاکستان به کشور ما و تجاوز عربان روس و امریکا به افغانستان چه بود و چیست، که ما یکی را تقبیح و محکوم می کنیم، ولی در برابر دیگری نه تنها سکوت می کنیم، که از عوامل و جاده صاف کن های آن هم استقبال می شود؟

تجاوز روس ده سال ادامه داشت. تجاوز امریکا هم کم و بیش ده سال است که ادامه دارد، ولی تجاوز آشکار پاکستان از سی سال و تجاوز خزنه و پنهان آن از شصت سال بدین سو به کشور ما وجود و ادامه دارد.

همکاری طالب با پاکستان در راستای برآورده ساختن اهداف آن کشور و به خطر انداختن منافع و موجودیت کشور خود شان یا کشور خود ماست. بنابراین حرکت طالبی را علیه امریکا نمی توان یک حرکت ملی یا آزادی خواهانه و استقلال طلبانه خواند. چنین نامگذاری صد در صد اشتباه است. حرکت طالب به آن می ماند که: " از زیر باران برخیزید و زیر ناودان بنشینید." موضعگیری طالب در قبال افغانستان موضعگیری مثبتی نیست. طالب با کرزی و کارمل و ربانی و خلیلی و دوستم هیچ تفاوتی ندارد. کارمل در حقیقت برای تأمین منافع شوروی می جنگید و کرزی چیزی بیشتر از آله دست امریکا نمی باشد؛ همانگونه که طالب مریونتی پاکستان است؛ مانند سایر برادران تنظیمی اش، که آله دست ایران و پاکستان و ... هستند و بودند!

مقاومت طالب برای شرف و حیثیت و آزادی مردم و کشور هم نیست. زیرا با کشیدن یکی و آوردن دیگری شرف و حیثیت و آزادی کشور اعاده و حفظ نمی گردد؛ بلکه همه این ارزش ها دست به دست می شوند. جنگ طالب با کرزی یا با امریکا در یک نگرش کلی علاوه بر نیابتی بودن آن - جنگ برای حفظ منافع و تأمین مقاصد پاکستان - خلاف آنچه ظاهراً ادعا می شود، جنگ برای اسلام هم نیست. زیرا کشتن مسلمانان بی گناه - نمازگزاران در اماکن مقدس مسلمانان، کشتن اطفال و زنان و عابران خورد و بزرگ بی گناه و بی خبر از همه چیز و همه جا - در قرآن در هیچ جایی اجازه داده نشده است. ولی طالب به این کار طوری که انکار از آن ممکن نیست، دست می زند!

جنگ طالب علاوه بر این که جنگی نیابتی و برای انجام دادن نیات پاکستان است، یک جنگ تمام عیار مادی و قدرت طلبانه است. این جنگ به هیچ وجه علل معنوی ندارد. زیرا طالب نه به انسان و آزادی و حقوق انسان ارجی قایل است و نه به استقلال و آزادی کشور و نه به اسلامیکه از آن حرف می زند. در باب اول شش سال حاکمیت

طالب، به خصوص محروم ساختن زنان از همه حقوق شان، خود گویای وحشت و انسان ستیزی این گروه متحجر و سختگیر و کهنه اندیش بود. در باب دوم وابستگی آن به پاکستان و عربستان و امریکا و انگلیس و ... در باب سوم حملات انتحاری بی رویه و بی مرز و حد و کشتار وحشیانه و غیر انسانی وی نمایانگر این ادعای ماست. چه چیز ولی باعث می شود که برخی ها نظر مساعد نسبت به طالب داشته باشند؟ به نظر من حداقل دو علت باید در این امر مضمحل باشد. یکی این که یک دسته از نوچه پهلوانان تنظیم های به اصطلاح جهادی که خود را اکنون پهلوان میدان فکر می کنند و از نواله و قدرت دور مانده اند و در صدد دست یافتن به نواله و چوکی هستند و حمایت از طالب را به عنوان آخرین راه و آخرین تلاش برای رسیدن به مقاصد ناپاک شان تشخیص داده اند و باوجود همه بدی های طالب از طالب پشتیبانی می کنند و حرکت طالبی را برای خوشی طالب یک حرکت ملی یا مقاومت میهنی میخوانند. هدف این ها هم هدف مادی است، با آن که تظاهر به انسان دوستی و اخلاق و دین و مذهب و ... می کنند و تظاهر به پایبندی به معنویات می نمایند؛ و دوم، آنانی که در حد تعصب با امریکا دشمنی می ورزند و در اثر این دشمنی بی حد و مرز نمی توانند یا نمی خواهند که متوجه عواقب ناگوار تلاش های دشمنانه پاکستان نسبت به ما شوند.

من با نظام اقتصادی، با سیاست های انسان ستیزانه غرب، با حملات و تجاوزات و زورگوئی های امریکا و با گسترش لجام کسبخته سیاست اقتصادی لیبرال به هیچ وجه توافق ندارم، ولی این عدم توافق یا بدبینی نسبت به این کشور و سیستم اقتصادی آن به هیچ رو سبب نخواهد شد که آرزوی آمدن دو باره طالب را بنمایم - به این دلیل و فکر که اگر طالب آمد باز می بینیم. نه کل و نه کدو، خاک بر سر هر دو! پشتیبانی از طالب به هر شکل آن اشتباه است. نگوئید که ما طالب را می آزمائیم. طالب قبلاً آزموده شده است و آزموده را آزمودن خطا و گناه است! امریکا دیر یا زود از کشور ما می رود. بودجه ۱۶۰ میلیاردی برای مصارف نظامی امریکا در افغانستان عراق با مشکلات اقتصاد - مالی - پولی امریکا بالاخره کمر اقتصاد امریکا را می شکند. مردم خود امریکا و اروپا بالاخره اروپا و امریکا را مجبور می سازند که از افغانستان خارج شوند؛ ولی طالب اگر بار دیگر قدرت گرفت، کسی نخواهد بود که به داد ما برسد و پس کردن طالب از قدرت هم - مانند حکومت ملایان ایران - ممکن نخواهد بود.

ما آن روز ها را فراموش نکرده ایم که انقلابی ترین افراد بعد از به قدرت رسیدن طالب می گفتند: " طالب آمد، گپ تمام شد. دیگر کاری از هیچ کسی ساخته نیست. فاتحه سیاست و سیاست بازی ها را بخوانید و آن را ببوسید و کنار بگذارید و بروید پی زندگی و یک کار و بار دیگر! " این همان طالب است؛ ولی هفت برابر تیز تر و هفتصد برابر وحشی تر. این حرف را نباید فراموش کنیم! همان وسیله و ابزار دست پاکستان؛ مانند دوران اول حاکمیت شان!!

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس

در فکر آن مباش که نشنید یا شنید